

## بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت

معصومه طیبی<sup>۱</sup>

### چکیده

حق ولایت، خلافت و امامت هرگز سازش پذیر نیست و تنها یادگار پیامبر که در امر خلافت به حقیقت، الگوی مردان و زنان است، در این راه هیچ گونه مسامحه ای روا نداشت و از بذل مال و جان و حتی فرزند خویش دریغ ننمود. آن حضرت با باور به این که ولایت بنیان اسلام است و ترک آن به منزله بازگشت به کفر و ارتداد، سیاستی روشن و صریح و بی ابهام را در پیش گرفت و این همان موضوعی است که در توقیع شریف امام غایب (عجل الله فرجه) به ابو عمر عامری بیان می شود: «و فی ابنه رسول الله اسوه حسنه» و برای روشن کردن حقیقت از استدلال عقلی و برانگیختن عواطف اصیل انسانی بهره جست. از جمله عملکردهای حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت که ادامه و استمرار خط نبوت است، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

یادآوری و تذکر، عدم بیعت با خلیفه، مقاومت در مقابل بیعت اجباری و استغاثه، یادآوری غدیر خم، تهدید به نفرین، گریستن های پیاپی حضرت زهرا (س)، مطالبه فدک، بازگویی حقایق نزد زنانی که به قصد عیادت می آمدند، اعتصاب سخن و اعلام نارضایتی از غاصبان خلافت، وصیت نامه سیاسی.

بارزترین بخش مبارزه در خطبه فدک متبلور است، از آن جهت که این سرزمین

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس.

mas\_tab\_21@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۴

۱۷۶-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰  
پشتوانه اقتصادی مهمی برای حضرت علی (ع) به شمار می‌رفت و از سوی دیگر  
غصب این منطقه که متعلق به حضرت زهرا (س) بود، عملی غیرشرعی و مخالف  
اصول قرآنی است و همین نمونه‌ای عینی از عدم شایستگی خلیفه غاصب برای  
جانشینی پیامبر است.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، ولایت، غدیر خم، فدک،  
سیره عملی.

#### مقدمه

شخصیت هرکس تا حدود زیادی به جایگاه خانواده، شخصیت، اخلاق والدین و محیط  
نشو و نما او بستگی دارد و شالوده و اساس شخصیت فرزند، در خانواده شکل می‌گیرد.  
بانوی بزرگ اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و همان‌گونه که در تاریخ گزارش شده  
است، پیش از ولادت حضرت زهرا (س) دستورات ویژه‌ای به والدین ایشان داده شد.  
(حاکم نیشابوری، ۱۵۶/۳؛ سیوطی، ۱۴۴/۴؛ مجلسی، ۱۴۹/۲)

در تعریف و توصیف پدر حضرت فاطمه (س) پیامبر اکرم (ص)، احتیاجی به شرح  
نیست. در عظمت آن جناب همین بس که خداوند به وی فرمود: «وَأَنْكَ لِعَلَى خَلْقِ  
عَظِيمٍ» (القلم، ۴)، یعنی: (ای محمد) در حقیقت تو به نیکو خلقی عظیم آراسته‌ای در  
ویژگی‌های مادر حضرت فاطمه (س)، حضرت خدیجه کبری (س)، گرچه تاریخ  
جزئیات زندگی آن بانوی شریف را ثبت نکرده، اما همان مقدار که باقی مانده می‌تواند  
شخصیت برجسته او را تا حدی روشن سازد. پیشینه مبارزات پدر او خویلد در مقابل  
تصمیم پادشاه یمن مبنی بر انتقال حجرالاسود از مسجدالحرام به یمن، حضور مؤثر اسد  
بن عبدالعزی جد او در حلف الفضول، عضویت ورقه بن نوفل پسرعموی خدیجه (س)  
در جلسه سرّی با موضوع «اجرای آیین ابراهیمی در بلاد»، بخشی از اقدامات حق طلبانه  
این خاندان است. این بانوی بزرگوار اسلام نیز چون پدران خود در راه دفاع از حقیقت  
و دین مبین اسلام حکایت‌ها دارد. (نک: امینی، ۲۶۲۱؛ مصطفوی و جعفری، ۱۲۱)

۱۷۷-----بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت  
نمونه‌ای از عمل کرد بی نظیر حضرت خدیجه (س)، نحوه همسرگزینی ایشان است. آن بانو علی‌رغم مکننت مالی و با وجود خواستگاران از ثروتمندترین مردان عرب، حضرت محمد (ص) را برگزید که از جهت اقتصادی ضعیف، اما از جهت شرافت و خلق برترین فرد بود و این چگونگی انتخاب همسر، سال‌ها بعد در زندگی بانوی دو عالم، حضرت فاطمه (س) تکرار می‌شود. نمونه دیگر آن‌که، خدیجه (س) نخستین بانویی است که دعوت پیامبر (ص) را اجابت نمود و تمام اموال و ثروت بی‌حد و حصر خویش را بدون قید و شرط در اختیار حضرت محمد (ص) قرار داد و فرمود: «هرطور صلاح می‌دانی، در راه اشاعه و ترویج دین خدا خرج کن». (نک: امینی، ۲۶۲۱) همان‌طور که حضرت زهرا (س) نخستین شهید راه ولایت در راه دفاع از امام خود از مال و فرزند و حتی جان خود گذشت.

«ام ایها» نیز چون مادر بزرگوار خود در زمان جنگ‌ها و گرفتاری‌ها مرهمی بر زخم‌های جسمی و روحی همسر است، به گونه‌ای که حضرت علی (ع) می‌فرمود: «وقتی به خانه می‌آمدم و به زهرا (س) می‌نگریستم، تمام غم و غصه‌هایم برطرف می‌شد». (امینی، ۷۹)

عمل کرد حضرت زهرا (س) در زندگی سیاسی و دینی نیز هم‌چون پدر و مادر بزرگوارشان مبتنی بر اعتقادی راسخ است. لذا در این راه از بذل هیچ سرمایه‌ای دریغ نمی‌ورزد. آنچه در این مقاله به اختصار در پی آن هستیم، بررسی سیره عملی آن بانو به عنوان نخستین حامی و شهید ولایت است که امام عصر (عج) فرمود: «و دختر رسول خدا برای من الگویی نیکوست». (طوسی، ۲۸۵؛ طبرسی، الاحتجاج، ۴۶۷/۲؛ مجلسی، ۱۵۸/۵۳) و این ره توشه‌ای است تا همگان از زن و مرد نقش خود را در مسائل کلان و اساسی اجتماع با تاسی به سیره فاطمی بیاموزند و بدانند دفاع از ولایت بر حفظ جان و مال و فرزند اولویت دارد و به فرموده قرآن کریم آن‌جا که اصل دین در معرض خطر است: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيِئِذٍ»، یعنی: دو تا دو تا و یک یک برای خدا به پا خیزید. و براساس این سیره، هیچ عذر و تقصیری پذیرفتنی نیست.

۱۷۸-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

### حیات عقلی و احساسی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

رابطه حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) رابطه‌ای مکتبی است که از آن‌ها هم‌زمانی در یک سنگر می‌سازد. چنان‌که می‌بینیم در دوران حیات پیامبر (ص) به هنگام بازگشت از جهاد، حضرت فاطمه (س) شمشیر خونین همسر می‌شست و زخم‌هایش می‌بست، از هنگامه رزم با او سخن می‌گفت و تسلی خاطر می‌فراهم می‌آورد. وجود چنین کانون گرمی است که زمینه‌ساز پیروزی‌های مداوم علی (ع) در عرصه‌های مختلف می‌شود. (قائمی، ۱۱۸)

در مهم‌ترین و حیاتی‌ترین اصل اسلامی یعنی ولایت و جانشینی پیامبر (ص) که خداوند در قرآن خود از آن به تکمیل دین و اتمام نعمت تعبیر می‌نماید، (المائدة، ۳) این بانوی بزرگوار پیشگام شدند. آن حضرت برای مبارزه با غاصبان خلافت عملکردهای گوناگونی در پیش گرفتند و همان‌طور که در سایر بخش‌های حیات حضرت فاطمه (س) مشاهده می‌کنیم، احساسات لطیف و اندیشه دقیق توأمان ظاهر می‌شود و این جمع اضداد است که شایستگی عنوان «سیده نساء العالمین» را به ایشان می‌بخشد. آن بانو در سایه حیات عقلی، خویشتن را مسئول نشان دادن راه می‌داند و در سایه حیات احساسی، خود را مسئول به راه اندازی مردم و شورآفرینی در آنان برای سرعت سیر در راه هدف. (قائمی، ۱۵۰)

### عملکردهای حضرت زهرا (س) در مقابله با جریان غصب خلافت

مشی سیاسی حضرت زهرا (س) مشی برانگیختن مردم علیه دستگاه غاصب و استنصار از اهل مدینه، اعتراض، محاکمه و استیضاح خلیفه غاصب، احتجاج، توبیخ، یادآوری غدیرخم، بی‌اعتنائی، حضور بر مزار شهدای صدر اسلام و بازگویی وقایع آن دوره، ابراز مظلومیت، گریستن و وصیت سیاسی است. لذا می‌بینیم حضرت زهرا (س) با در نظر گرفتن دو بُعد احساس و منطق انسان از ابزارهای گوناگونی برای روشن کردن اذهان و ایجاد بصیرت بهره می‌جوید.

۱۷۹-----بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت  
به عنوان مثال، پیامبر در مورد دختر گرامی خود فرمود: «فمن رضیت عنه ابنتی رضیت عنه و من رضیت عنه رضی الله عنه و من غضبت علیه فاطمه غضبت علیه و من غضبت علیه غضب الله علیه»، یعنی: کسی که دخترم [فاطمه] از او راضی باشد، من از او راضی هستم و کسی که من از او راضی باشم، خدا از او راضی است و کسی که فاطمه بر او غضب نماید، من بر او غضبناک می‌باشم و هر کس که من بر او غضبناک باشم، خداوند بر او خشم می‌گیرد. (طبری، ۴۵؛ دیلمی، ۲۹۴/۲؛ مجلسی، ۱۱۶/۲۷) با توجه به این حدیث روشن می‌شود رضا و غضب حضرت زهرا (س) بر اساس معیار حق است، لذا بی‌اعتنائی و عدم رضایت ایشان نسبت به یک فرد، اعتبار آن شخص را زیر سؤال خواهد برد و برهمین اساس است که شیخین در درخواست عیادت از آن بانو پافشاری می‌کنند. زیرا با طرد شدن از ناحیه حضرت زهرا (س) در حقیقت مورد خشم خدا و پیامبر قرار می‌گیرند و این موضوع برای شیخین در افکار عمومی آثار سوئی به دنبال خواهد داشت.

دیگر آن که حضرت زهرا (س) نهایت توان خود را در دفاع، مبذول می‌نماید، هر چند ظاهراً به بن بست می‌خورد و در نهایت، گریستن و ندبه و اعتصاب سخن را برمی‌گزیند و این برای آنان که اهل تعقل اند، سؤال برانگیز خواهد بود که چرا فاطمه (س) علی‌رغم قدرت روحی و ایمان بی‌مانند و سرآمدی در حلم و صبر به گریه متوسل می‌شود؟ (قائمی، ۱۰۵) وصیت آن حضرت در باب تشییع و تدفین شبانه و سرّی و مخفی ماندن محل دفن نیز تداوم مبارزه بعد از رحلت است و رسوائی عظیمی را برای دستگاه خلافت به بار آورد.

### تحلیل سیره فاطمی در دفاع از ولایت

گفتیم که حضرت زهرا (س) با بررسی شرایط و با تمام توان در تنویر افکار تلاش نمود و حجت را بر همگان تمام کرد. در این بخش از مقاله، این سیره براساس سیر تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

۱۸۰-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

۱- یادآوری و تذکر: بدین صورت که اصحاب کساء (ع) بعد از جریان سقیفه، شبانه به خانه بزرگان مهاجر و انصار می‌رفتند و موضوع غدیرخم، فداکاری‌های پیامبر و علی (ع)، آثار اطاعت از خلیفه واقعی پیامبر و حدیث ثقلین را به آنها گوشزد می‌نمودند. این عمل تأثیری کوتاه مدت داشت، به گونه‌ای که هر بار چهل و چهار نفر اعلام آمادگی کردند تا روز آینده آماده رزم با غاصبان شوند، اما صبح هنگام جز چهارتن از یاوران صدیق حضرت علی (ع) کسی حضور پیدا نکرد. این اتفاق در سه روز پیایی تکرار شد و چون مؤثر نیفتاد، مبارزه به گونه‌ای دیگر ادامه یافت. (سلیم بن قیس الهلالی، ۵۷۷؛ دینوری ۱۲/۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ۸۰/۱)

۲- عدم بیعت با خلیفه: اهل بیت (ع) به همراه چند تن از صحابه با ابوبکر بیعت نمودند، زیرا بیعت با وی مهرتأییدی بر موضوع غصب خلافت و تصدیق اعمال خلاف کتاب‌خدا و سنت پیامبر بود که از سوی آنها و با برجسب اسلام اجرا می‌شد و مجوزی بر بدعت‌های بعد می‌گردید. این عدم بیعت، آغاز مبارزه آشکار و بی‌پرده اهل بیت علیه غاصبان خلافت است. این عمل از نظر دستگاه غاصب آن قدر خطرناک بود که می‌توانست سبب سست بنیانی و فروریختن خلافت نوپاشود. لذا می‌بینیم چندی نگذشت که خلیفه و حزب او برای گرفتن بیعت اجباری به فجایعی دست زدند که سیاهی آن بر چهره تاریخ ماندگار شد.

در این دو مرحله، تاریخ از حضور حسنین (ع) گزارش می‌دهد و در حقیقت فاطمه (س) با همراه کردن این دو کودک که توان دفاعی نداشتند، به آنها عملاً آموخت که تعدی به ولایت ظلمی نابخشودنی است و برای رسوا کردن غاصبان آن باید تلاش بی‌وقفه نمود. واقعه سال ۶۱ هجری و جریان کربلا حقیقتاً بازخوانی درسی است که در سال ۱۱ هجری حضرت زهرا (س) به فرزندان خود آموخت.

۳- مقاومت در مقابل بیعت اجباری و استغاثه: بعد از آن‌که پیک خلیفه غاصب، برای گرفتن بیعت به خانه اهل بیت آمد و با عدم همراهی آنها مواجه شد، به دستور اربابان خود قصد هجوم به خانه را داشت. در این مرحله نکاتی قابل تأمل است. نخست آن‌که گفت‌وگویی میان حضرت زهرا (س) و یورشیان می‌شود که نشان از عدم

۱۸۱-----بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت

پایبندی آنان به دستور صریح قرآن است. در آیات مبارکه ۲۷ و ۲۸ سوره نور، خداوند متعال فرمود: «یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی أهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذکرون؛ فإن لم تجدوا فیها أحدا فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أذکی لکم و اللّٰه بما تعملون علیم»، یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، [سرزده] داخل نشوید تا آشنایی دهید و اجازه خواهید و بر اهل آن سلام کنید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید و اگر در خانه، کسی را نیافتید، داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد: برگردید، برگردید که آن برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید، داناست. اما آن‌گاه که قنفذ به خانه امیرالمؤمنین (ع) فرستاده می‌شود، به او چنین دستور داده می‌شود: «اذهبوا فإن أذن لکم و إلا فادخلوا بغیر إذن»، یعنی: آن‌جا بروید؛ خواه اجازه دهد و خواه ندهد، بدون اجازه وارد شوید. حضرت زهرا (س) با این عبارت توجه همگان را به این مسئله مهم جلب می‌کند: «أحرج علیکم أن تدخلوا علی بیتی بغیر إذن»، یعنی: آیا ناچارید که بدون اجازه وارد خانه‌ام شوید؟ و هنگامی که برای بار دوم قنفذ به خانه امیرالمؤمنین می‌رود، با تأکید عمر قصد تعرض دارد و آن‌گونه که سلمان (ره) نقل می‌کند: «فاقتحم هو و أصحابه بغیر إذن»، یعنی: قنفذ و یارانش بدون اجازه به خانه یورش بردند. (سلیم بن قیس الهمدانی، ص ۵۸۴؛ طبرسی، الاحتجاج، ۱/۸۳)

در ادامه، تاریخ از مقاومت حضرت زهرا (س) چنین گزارش می‌کند که فرمود: «یا عمر ما لنا و لک لا تدعنا و ما نحن فیه... یا عمر أ ما تتقی الله عزوجل تدخل علی بیتی و تهجم علی داری»، یعنی: ای عمر! ما را به تو چه! ما را در مصیبت مان هم رها نمی‌کنی؟... از خدا نمی‌ترسی که به خانه‌ام وارد شدی و به آن حمله کردی؟ (سلیم بن قیس الهمدانی، ۸۶۴؛ مجلسی، ۱۹۷/۴۳) و آن‌گاه که عمر دستور آتش زدن خانه را داد، حضرت در را باز نمود و صدا به ضجه و شیون بلند کرد که: «یا ابتاه یا رسول الله» و شروع به استغاثه و ناله نمود و با گرفتن عبای علی (ع) با تمام توان مانع بردن همسرش به مسجد شد و

۱۸۲-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰  
فرمود: نمی‌گذارم همسر را ببرید؛ و آن‌قدر پایداری نمود تا با ضربات تازیانه او را از علی (ع) جدا کردند. (سلیم بن قیس الهلالی، ۸۶۴؛ مجلسی، ۱۹۷/۴۳) و آن‌قدر استقامت می‌ورزد که فرزند در شکم خود را ابراهیم‌گونه قربانی دین می‌نماید و در نهایت نیز خود به دلیل ضربات و آسیب‌های وارد شده به شهادت می‌رسد.

۴- یادآوری غدیرختم: آیات متعددی از قرآن کریم حکایت از آن دارد که هیچ امری بدون اذن الهی رخ نمی‌دهد، نمونه آن، آیات شریفه ۴۹ سوره آل عمران و ۱۱۰ سوره مائده است که وقوع معجزات حضرت عیسی (ع) را مقید به اذن الله می‌نماید. در بحث خلافت حضرت علی (ع) نیز حضرت زهرا (س) براساس این اصل قرآنی استناد می‌فرماید که امر مهمی چون جانشینی خاتم الانبیاء نمی‌تواند توسط مردم صورت گیرد و این ودیعه‌ای است که پیامبر به فرمان خداوند در روز غدیرختم به علی (ع) واگذار نمود. آن‌گاه که عمر قصد ورود به خانه ایشان را دارد، حضرت فاطمه (س) او را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «لا عهد لی بقوم أسوأ محضرا منکم ترکتم رسول الله جنازه بین أیدینا و قطعتم أمرکم فیما بینکم فلم تؤمرونا و لم تروا لنا حقنا کأنکم لم تعلموا ما قال یوم غدیرختم والله لقد عقد له یومئذ الولاء لیقطع منکم بذلک منها الرجاء و لکنکم قطعتم الأسباب بینکم و بین نبیکم و الله حسیب بیننا و بینکم فی الدنیا و الآخرة». یعنی: در تمام عمر خود هیچ قومی را نمی‌شناسم که بی‌وفاتر و بی‌عاطفه‌تر از شما باشند، پیکر رسول خدا (ص) را نزد ما گذاشته و سرگرم کار خود و به دست آوردن خلافت شدید، نه مشورتی با ما نمودید و نه کمترین حقی برای ما قائل شدید، گویا شما هیچ اطلاعی از فرمایش پیامبر (ص) در روز غدیرختم نداشتید، به خدا سوگند در همان روز آن‌چنان امر ولایت را محکم ساخت که جای هیچ طمع و امیدی برای شما باقی نگذاشت، ولی شما آن را رعایت نکرده و هر رابطه‌ای را با پیامبرتان قطع نمودید، البتّه خداوند متعال میان ما و شما حکم خواهد فرمود. (مفید، الامالی، ۴۹؛ طبرسی، الاحتجاج، ۸۰/۱؛ مجلسی، ۲۰۴/۲۸) و در این بخش از کلام خود به بخش مهمی از آیه شریفه ۳ سوره المائده اشاره فرمود: «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم» یعنی: امروز کافران از [شکست] آیین شما نومید شدند.



۱۸۳-----بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت

۵- تهدید به نفرین: آن‌گاه که حضرت علی (ع) را به زور به مسجد بردند، حضرت زهرا (س) در حالی که پیراهن رسول اکرم (ص) را روی سر گذاشته بود و دست حسنین (ع) را در دست داشت، به سوی مزار پیامبر (ص) حرکت کرد تا قوم را نفرین کند. آن‌چه در عمل کرد صدیقه طاهره (س) در این‌جا شایان توجه است آن‌که، دختر رحمة للعالمین که از آزار قوم به ستوه آمده و قصد نفرین داشت، وقتی پیام امام خود مبنی بر ترک نفرین را دریافت کرد، بی‌چون و چرا اطاعت نمود و از نفرین دست کشید. (کلینی، ۲۳۷/۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ۱۸۶؛ مجلسی، ۲۵۲/۲۸ و ۲۰۶ و ۴۳/۴۷) این اطاعت از امام زمان در جای دیگری نیز تجلی کرد. آن‌گاه که حضرت زهرا (س) بعد از ارائه دلایل قرآنی و شواهد خود برای اعاده حق فدک، با بی‌توجهی غاصبان مواجه شد، سکوت علی (ع) را مشاهده و به تبعیت از ایشان سکوت نمود. (طبرسی، الاحتجاج، ۱۰۷/۱) لذا در بخشی از خطبه فدک آیه ۱۸ سوره مبارکه یوسف را تلاوت فرمود: «کَلَّا بَل سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبِرْ جَمِیلاً وَ اللّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَی مَا تَصِفُونَ»، یعنی: گفت: بلکه نفس شما کاری را برای شما آراسته است. پس اینک صبری نیکو [بہتر است] و بر آن‌چه توصیف می‌کنید از خداوند یاری می‌خواهم؛ و صبر اختیار نمود، همان‌طور که پدر در آخرین ساعات حیات پربرکت خود از آینده خبر داد و سفارش نمود: «لکم الله فتوکل علیہ و اصبری کما صبر أبأؤک من الأنبیاء و أمہاتک من أزواجہم»، یعنی: به خداوند توکل کن و صبر پیشه‌ساز همان‌طور که پدران پیغمبرت و مادرانت که همسران آن‌ها بودند، صبر و بردباری نمودند. (فرات، ۴۶۵)

۶- گریستن‌های پیاپی حضرت زهرا (س): براساس احادیث یکی از بکائین تاریخ، حضرت زهرا (س) است. این ندبه‌ها و زاری‌های طولانی و مداوم، همسایگان را به ستوه آورد و خدمت علی (ع) آمدند و گفتند: سلام ما را به فاطمه برسان و بگو یا شب بگرید یا روز که از ما سلب آسایش کرده است. در پی این اتفاق، فاطمه (س) روزها بر سر مزار رسول خدا (ص) و مزار شهدا در بقیع می‌رفت و مبارزه منفی با غصب خلافت را با شکواییه و مرثیه سرائی در آن‌جا ادامه داد. (کلینی، ۱۹۹/۸؛ مجلسی،

۱۸۴-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰  
۴۷/۴۳ و ۱۷۷) این گریستن‌ها که همراه با سخنانی تأمل برانگیز بود، مردم را به این سؤال وا می‌داشت که چرا فاطمه این قدر گریه می‌کند و چرا با گذشت زمان مصیبت پدر را فراموش نکرده است؟!

۷- مطالبه فدک و بازگویی حقایق نزد زنانی که به قصد عیادت می‌آمدند. پس از این به تفصیل به آن می‌پردازیم.

۸- اعتصاب سخن و اعلام نارضایتی از غاصبان خلافت: گفتار و رفتار رسول اکرم (ص) نسبت به حضرت زهرا (س) در دوران حیات آن حضرت، حاکی از جایگاه والای آن بانو نزد خدا و رسول اوست و بر هرکس روشن است که خشنودی و خشم حضرت زهرا (س) که تربیت شده مکتب نبوی است، برخاسته از احساسات بی‌پایه و گذرا نیست بلکه براساس حق است. در جریان احتجاج، پیرامون موضوع فدک و خلافت پیامبر، بعد از آن‌که ناتوانی خلیفه غاصب در مقابل منطق قرآنی حضرت زهرا (س) آشکار شد و خلیفه، زبان به اهانت باز کرد. آن حضرت اعتصاب سخن و روگردانی از ظالمان را برگزید، در حالی که همگان از این حدیث نبوی آگاه بودند که: «من آذی فاطمة فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله عزوجل»، یعنی: کسی که فاطمه را اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هر که مرا بیازارد، خداوند بلندمرتبه را آزرده است. (طبرسی، اعلام الوری، ۱۴۹) همین موضوع موجب شد تا خلیفه و همراهان برای عیادت و صلح با دختر پیغمبر پافشاری کنند. اما عمل کرد آن حضرت کار را یکسره کرد و هنگامی که با وساطت امیرالمؤمنین (ع) اجازه ملاقات گرفتند، صورت از آن‌ها برگرداند و با طرح سؤالی، بار دیگر موضع خویش را اعلام نمود. ابتدا از آن‌ها خواست به صحت این حدیث شریف اعتراف کنند: «فاطمة بضعة منی فمن آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله»، یعنی: فاطمه پاره تن من است، کسی که فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است و هر که مرا بیازارد، خداوند بلندمرتبه را آزرده است. سپس دست به آسمان برداشت و شکایت آن‌ها نزد پیامبر و خداوند کرد و از آن‌ها اعلام براءت نمود. (سلیم بن قیس الهلالی، ۸۶۹؛ صدوق، ۱۸۷/۱؛ مجلسی، ۱۷۱/۴۳) علمای اهل سنت نیز به این موضوع

بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت-----۱۸۵  
معترفاند که: «فهجرت فاطمة و لم تکلمه فی ذلک حتی ماتت» (ابن شهر آشوب،  
۳۶۲/۳؛ ابن ابی الحدید، ۴۶/۶؛ دروزه، ۵۵/۷)، یعنی: فاطمه از او روبرگرداند و با او تا  
زمان مرگ سخن نگفت.

۹- وصیت نامه سیاسی: سفارش حضرت زهرا (س) به تدفین شبانه و عدم حضور برخی  
افراد در مراسم تشییع و تدفین پیکر مطهرش، حاکی از مبارزه‌ای دامنه‌دار و عمیق به  
وسعت تاریخ است. به گونه‌ای که صحابه دیروز و مسلمانان امروز در واکاوی این‌که  
چرا دختر پیامبر نسبت به امت پدر خود چنین وصیتی می‌نماید، به حقیقت پی‌ببرد.  
(غروی نائینی، ۸)

#### ارتباط فدک و ولایت حضرت علی (علیه السلام)

به گواهی مفسران شیعه و اهل سنت، بعد از نزول آیه ۲۶ سوره شریفه الاسراء پیامبر  
اکرم (ص) فدک را که بدون هیچ جنگی نصیب مسلمانان شده بود، به فاطمه (س)  
بخشید. (بحرانی، ۵۲۱/۳؛ زحیلی، ۵۱/۱۵؛ سیوطی، ۱۷۷/۴) نکته حائز اهمیت آن‌که  
پیامبری که میل نداشت دخترش پرده پشیمی در اتاقش آویزان نماید یا دستبندی نقره به  
دست فرزندانش ببندد یا گردن‌بندی به گردن بیافکند، چرا مزارع سنگین قیمت فدک را  
به فاطمه (س) بخشید؟ در مورد علت این قضیه می‌توان گفت پیامبر (ص) از سوی  
خداوند مأمور بود حضرت علی (ع) را به جانشینی تعیین کند. رسول خدا (ص) به  
خوبی آگاه بود که اگر حضرت علی (ع) و خاندان او در مضیقه مالی باشند، توان  
سیاسی آن‌ها تحلیل می‌رود و با توجه به کینه‌های اقوام عرب نسبت به علی (ع) در امر  
امامت ایشان کارشکنی خواهند کرد. آن حضرت می‌دانست برای ادامه راه اسلام و اداره  
امت، به بودجه نیاز است تا با صرف آن برای جامعه به ویژه نیازمندان، دل‌ها به سوی  
علی (ع) متمایل گردد. لذا بخشیدن فدک به فاطمه (س) پشتوانه‌ای برای ولایت  
علی (ع) بود، یعنی علاوه بر هدیه مالی، هدیه‌ای معنوی نیز به شمار می‌رفت. (ابن ابی  
الحدید، ۷۸/۴)

۱۸۶-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

همچنین دستگاه خلافت برای بیعت گرفتن از قبایل خارج مدینه، نیازمند لشکرکشی بود و برای این لشکرکشی و گذران سایر کارهایش احتیاج به اموال و دارایی داشت. از طرف دیگر آن‌هایی که داخل مدینه و اطراف حضرت امیر (ع) بودند برای دستگاه خلافت خطرناک بودند. لذا خلیفه و مشاوران‌اش به زعم خود برای پراکنده کردن یاران حضرت علی (ع) و پیشگیری از شورش‌های داخلی، اموال اهل بیت (ع) را از ایشان گرفتند تا خاندان پیامبر (ص) فقیر شوند و مردم از گرد ایشان پراکنده شوند. این موضوع از کلام ابوبکر روشن می‌شود که در احتجاج با حضرت زهرا (س) گفت: «إنما كان من أموال المسلمين يحمل النبي به الرجال و ينفقه في سبيل الله، فلما توفى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم وليته كما كان يليهم» یعنی: فدک از اموال مسلمانان بود که پیامبر آن را به مردان واگذار می‌کرد و آن را در راه خدا انفاق می‌نمود. زمانی که رسول خدا (ص) از دنیا رفت، اداره آن را [برای امور مسلمانان] به عهده گرفتم همان‌طور که پیامبر چنین کرد؛ و این موضوع تا بدان‌جا برای خلفا مهم بود که در طول تاریخ هریک بنا به سیاست و اعتقاد خود موضعی را اتخاذ می‌کرد، یک خلیفه می‌داد و دیگری در اختیار می‌گرفت. (مفید، المقنعه، ۲۸۸؛ احسائی، ۷۸/۲؛ شوشتری، ۱۴۲؛ حرعاملی، ۵۲۵/۹؛ صدر، ۳۸)

بنابراین مطالبه فدک از سوی حضرت زهرا (س) به دلیل رغبت به تعلقات دنیوی نبوده‌است. ایثار سه شب پیاپی این خاندان، که نزول آیات مبارکه سوره انسان را به دنبال داشت، گواهی روشن بر عدم تعلق خاطر ایشان به دنیاست و مطالبه فدک، ارتباطی به دنیاطلبی ندارد، بلکه اصرار و پافشاری بر بازپس گرفتن فدک، از سویی درخواست احقاق حق قانونی اهل‌بیت با استناد به سنت نبوی و آیات قرآن کریم است و از سوی دیگر درخواست و بازپس‌گیری این حق، تاثیری بسزا در بازگرداندن خلافت به صاحب اصلی آن دارد. اثبات ناحق بودن عمل تصرف فدک توسط خلیفه غاصب، نمونه‌ای روشن است تا برای جماعت آن روز آشکار شود که خلیفه مدعی در اجرای دین پیامبر اسلام، هرگز نمی‌تواند جانشینی مناسب و عادل باشد. یکی از آن جهت که به آیات قرآن واقف نیست و به فرض آگاه بودن آن‌ها را اجرا نمی‌کند، دیگر آن‌که

بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت-----۱۸۷  
 جاعل حدیث از زبان پیامبر است، حال آن که پیامبر (ص) فرمود: «من کذب علی متعمداً  
 فیلتبوا مقعده من النار» (اریلی، ۱/۶۰) یعنی: هرکس از روی عمد بر من دروغی ببندد  
 پس جایگاه او از آتش جهنم پر شود؛ و حدیث جعلی ابوبکر در باب ارث انبیاء که  
 گفت: نحن معاشر الانبیاء لا نورث ما ترکناه صدقه (ابن ابی الحدید، ۲/۱۹؛ مجلسی،  
 ۱۸۲/۴۳) ما گروه پیغمبران ارث به جا نمی گذاریم و آنچه از ما می ماند، صدقه است.  
 با مفاهیم قرآنی مخالفت آشکار دارد.

در اهمیت این موضوع همان بس که حضرت زهرا (س) علی رغم شرایط جسمی و  
 روحی نامناسب به خطابه و احتجاج و استیضاح خلیفه می پردازد. ابن ابی الحدید  
 معتزلی در شرح نهج البلاغه می نویسد: از علی بن فاروقی مدرس غربی بغداد پرسیدم:  
 در مورد فدک [فاطمه راست می گفت؟ گفت: آری، گفتم: اگر راست می گفت چرا  
 فدک را به او بازنگرداندند؟ وی با لبخندی پاسخ داد: «لو أعطاهایوم فدک  
 بمجرد دعواها، لجات الیه غدا و ادعت لزوجها الخلافه» یعنی: اگر آن روز فدک  
 را فقط به دلیل ادعایش به او می دادند، فردا خلافت شوهر خود را ادعا می کرد.  
 (مفید، رساله حول...، ۲۸؛ ابن ابی الحدید، ۲۸۴/۱۶) و این همان نکته ای است که  
 پیش از فاروقی، امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ۲۶ سوره الاسراء فرمود: «فکان  
 علیُّ (ع) و کان حقّه الوصیّه الّتی جعلت له و الاسم الاکبر و میراث العلم و آثار علم النبوه»  
 (کلینی، ۱/۲۹۴)، یعنی: حقّ علی بن ابی طالب (ع) جانشینی رسول خدا و داشتن علوم  
 نبوی است.

در نقل خطبه، نکاتی توجه راوی را به خود جلب می کند که آنها را گزارش  
 می کند. نخست ورود حضرت زهرا (س) به مسجد از درب عمومی است حال آن که  
 ایشان از منزل خود دری مستقیم به مسجد دارد و این نشان می دهد شکایت از عمل  
 کرد خلیفه مربوط به ملکی با منافع شخصی نیست، بلکه موضوعی عام المنفعه است  
 که باید همگان از آن آگاه شوند. لذا به نقل تاریخ، زانی به همراه حضرت وارد  
 مسجد شدند. (صدر، ۲۹-۲۷) «أقبلت فی لمة من حفدتها و نساء قومها»، یعنی: با

۱۸۸-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

گروهی از زنان قوم خود [به جانب مسجد] به راه افتاد. این موضوع با بیان حضرت امیرالمؤمنین (ع) تأیید می‌شود، آن‌گاه که از ایشان پرسیده‌شد چرا فدک را در دوران خلافت خود به فرزندان فاطمه (س) بازنگردانید، چنین پاسخ فرمود: «لأننا أهل بیت لاناخذ حقوقنا ممن ظلمنا إلا هو و نحن أولیاء المؤمنین إنما نحکم لهم و نأخذ حقوقهم ممن ظلمهم و لا نأخذ لأنفسنا»، یعنی: حق ما اهل بیت را از کسانی که به ما ظلم کرده‌اند، جز خدا نمی‌گیرد و ما اولیای مؤمنان هستیم، به نفع آن‌ها حکم می‌کنیم و حقوق آن‌ها را از کسانی که به آنان ظلم نموده‌اند می‌ستانیم و برای خودمان در این باره تلاش نمی‌کنیم. (صدوق، ۱۸۶/۲؛ صدوق، ۱۵۴/۱؛ ابن شهر آشوب، ۲۷۰/۱) این موضوع در گفتگوی ابوبکر و عمر نیز به خوبی آشکار می‌شود که امام صادق (ع) فرمود: «لما ولى ابوبکر قال له عمر إن الناس عبید هذه الدُّنیا لا یریدون غیرها فامنع عن علیّ (ع) الخمس و الفیء و فدکا فإن شیعته إذا علموا ذلك ترکوا علیاً (ع) رغبه فی الدُّنیا وایثاراً و محاباه علیها ففعل ذلك و صرف عنهم جمیع ذلك» (نوری، ۲۹۰/۷)، یعنی: زمانی که ابوبکر به خلافت رسید، عمر به او گفت: مردم بندگان این دنیایند و غیر آن را نمی‌خواهند. پس خمس و فیء و فدک را از علی بازستان قطعاً هنگامی که یاران او آگاه شوند، به دلیل دنیاطلبی خود او را رها کنند. ابوبکر چنین کرد و همه را از او بازداشت...؛ تا آن‌جا که گفت: علی (ع) به فاطمه (س) فرمود: نزد ابوبکر برو و فدک و خمس و فیء را به او یادآوری کن و حضرت فاطمه (س) انجام داد. این در حالی است که حضرت علی (ع) در باب دنیا فرمود: «دنیاکم هذه أهد عندی من عطفه عنز» (سید رضی، ۴۹)، یعنی: دنیای شما نزد من از عطسه بزی کمتر و پست‌تر است. و او بود که دنیا را سه طلاقه نمود. بنابراین اگر حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) موضوع فدک را پیگیری نمودند، با هدف تثبیت امر ولایت و جلوگیری از انحراف در خلافت پیامبر و امت اسلام بود. همان‌طور که وقتی هارون از امام موسی بن جعفر (ع) با اصرار می‌خواهد تا حدود فدک را تعیین نماید، امام حدود آن را مرزهای حکومت اسلامی آن روز بیان می‌نماید. (مصطفوی و جعفری، ۱۳۰)

۱۸۹-----بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت  
موضوع دیگر که راوی تأکید می‌کند، این است که راه رفتن حضرت زهرا (س) هنگام ورود به مسجد پیامبر، مانند راه رفتن رسول خدا (ص) بود و بر ابوبکر وارد شد: «ما تخرم مشیتها مشیه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حتی دخلت علی اُبی بکر» (صدر، ۲۷-۲۹)، گویا منظور راوی آن است که شباهت راه رفتن حضرت زهرا (س) به راه رفتن آن حضرت، مردم را به یاد پیامبر انداخت و عواطف و مشاعر آنها را تحت تأثیر قرار داد، همان‌گونه که حضرت زهرا (س) طلیعه خطبه خود را یاد رسول خدا و رحلت او قرار داد و در میانه خطبه نیز از خدمات آن حضرت یاد کرد.

### کلامی با زنان

حضرت زهرا (س) در کلام خود با زنان مدینه فرمود: «چگونه شما را ملزم کنیم به سوی راه هدایت، در حالی که از شنیدن کلمات ما کراهت دارید؟!»  
این سخنان به واسطه زنان به مردان صحابه رسید و آنها را واداشت تا برای توجیه عملکرد خود به بهانه‌های واهی چنگ زنند. این بی‌منطقی موجب شد که حضرت در پاسخ به آنها بفرماید: «از من دور شوید! پس از اتمام حجّت بر شما دیگر جایی برای عذر و بهانه شما نیست و هیچ عذر و بهانه‌ای تقصیر و کوتاهی شما را جبران نمی‌کند.»  
نکته دیگری که در ارتباط با زنان حائز اهمیت است آن‌که در میان شاگردان حضرت زهرا (س) افرادی حضور دارند که عملکردشان در دفاع از ولایت بی‌نظیر است. یکی از این شاگردان مکتب فاطمی، اسماء بنت عمیس، همسر ابوبکر است که یکی از شهود قضیه فدک و از تکذیب کنندگان حدیث جعلی ابوبکر در باب ارث نهادن انبیاء بود و در حوادث بعد از رحلت پیامبر نقشی سودمند ایفا کرد. (غروی نائینی، ۳۴) از دیگر خدمات او به ولایت این بود که نقشه ترور حضرت علی (ع) را افشا نمود (صدوق، ۱۹۱/۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ۸۹/۱ و ۹۴) این شاگرد مکتب فاطمه (س)، از راویان احادیث مهمی چون حدیث منزلت و قضیه ردّالشمس و حدیث غدیر است. (غروی نائینی، ۳۶ و ۳۸) غاصبان خلافت به وصیت دختر پیغمبر، از حضور در مراسم تشییع و

۱۹۰-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰  
تدفین محروم شدند، اما در نقطه مقابل آنها، اسماء بنت عمیس قرار دارد که امین  
خاندان اهل بیت (ع) و از همراهان و یاوران علی (ع) است و به سفارش فاطمه (س)  
در این مراسم جزء مدعوین است.

تربیت یافته دیگر حضرت زهرا (س)، فضاة خادمه است. اعمال صالح این بانوی  
بزرگوار در تاریخ ثبت و ضبط شده است. اما آنچه در این مقال می‌گنجد، عمل کرد  
فضاة خادمه، در دفاع از ولایت است. در نامه عمر به معاویه چنین آمده است: «چون به  
در خانه علی (ع) آمدم، ابتدا کنیزشان فضاة بیرون آمد و با من احتجاج کرد. پس در را  
به پهلوی فاطمه زدم چنان ناله کرد که گمان کردم مدینه زیرورو شد. پس فضاة را صدا  
زد و فرمود: «یا فضاة خذینی فقد والله قتل ما فی احشائی من الحمل»، (مجلسی، ۲۳۰/۸)  
یعنی: ای فضاة! مرا دریاب به خدا قسم فرزندی که باردار بودم، کشته شد.» و گزارش  
منقول از فضاة در کافی کلینی حاکی از حضور و همراهی ایشان در واقعه کربلاست.  
(غروی نائینی، ص ۳۰۲) و این استواری در دفاع از ولایت نیست مگر به سبب تربیت  
حضرت زهرا (س).

### نتیجه مقاله

در توقیع شریفی از امام عصر (ع) از دختر پیامبر حضرت زهرا (س) به عنوان  
اسوه حسنه یاد شده است حال آن که قرآن کریم این ترکیب را برای پیامبر اکرم (ص) به  
کار برده است. در تحلیل برخی کارشناسان چنین آمده است که منظور امام در این  
توقیع شریف، اسوه بودن زهرا (س) در موضوع ولایت است. تحلیل عملکرد  
سیره صدیقه طاهره (س) نشان می‌دهد حمایت حضرت فاطمه (س) از دو جهت کامل  
است و در دفاع از مقام امامت و جانشینی پیامبر می‌توان به این سیره، تأسی جست از  
آن جهت که دو بعد اصلی انسان اعم از عقل و احساس را به حرکت وامی دارد و از آن  
جهت که از مال و فرزند و جان می‌گذرد، یعنی تمام آنچه خداوند، مایه امتحان بشر  
قرار داده است و آدمی به سبب زمینی بودن خود به آنها تعلق خاطر دارد در این جایگاه  
رنگ می‌بازد و باید در طبق اخلاص و در پیشگاه امام معصوم قربانی کرد.



بررسی سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت-----۱۹۱

### کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرامپور، قم، هجرت، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۲- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ.ق
- ۳- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ هـ.ق.
- ۴- احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵، هـ.ق.
- ۵- احمد بن ابی طاهر، ابن طیفور، بلاغات النساء، قم، انتشارات شریف رضی، بی تا.
- ۶- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز، انتشارات بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ.ق.
- ۷- امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام، قم، حوزه علمیه، ۱۳۴۹ هـ.ش.
- ۸- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ۹- حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، بی جا، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۱۰- حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۱۱- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت (ع)، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- ۱۲- دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلی الصواب، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- ۱۳- دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، مصر، مطبعه النيل، ۱۳۲۲ هـ.ق.
- ۱۴- زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۱۵- سید رضی، نهج البلاغه، قم، دارالهجره، بی تا.
- ۱۶- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۱۷- شوشتری، قاضی نورالله، الصوارم المهرقه، تهران، چاپخانه نهضت، ۱۳۶۷ هـ.ق.
- ۱۸- صدر، محمد باقر، فدک فی التاریخ، الدار العالمیه، الطبعه الاولی، ۱۹۸۷ م.
- ۱۹- صدوق، علل الشرائع، قم، داوری، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۲۰- همو، عیون اخبار الرضا (ع)، بی جا، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ هـ.ق.
- ۲۱- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ هـ.ق.
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.

- ۱۹۲-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۲۵- غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، تهران، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، چاپ سوم، ۱۳۸۹ هـ.ش.
- ۲۶- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۲۷- قائمی، علی، در مکتب فاطمه (ع)، تهران، انتشارات امیری، چاپ سوم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۲۸- همو، علی، فاطمه (س) برترین بانوی اسلام، قم، هجرت، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۲۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۳۰- مجلسی، محمدباقر، حیوه القلوب، تهران، دارالخلافة، ۱۲۴۱ هـ.ق.
- ۳۱- همو، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۳۲- مصطفوی (خمینی)، فریده و جعفری، فاطمه، فاطمه (س) احیاگر شخصیت زن، مقدمه محمدباقر شریعتی سبزواری، قم، اجر، چاپ سوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۳۳- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۳۴- همو، رساله حول حدیث نحن...، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۳۵- همو، المقنعه، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۳۶- نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۳۷- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، انتشارات هادی، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.ق.